

به نام خدای مهربان

قصه‌ها و افسانه‌های ایرانی

افسانه‌های کردی

۱۱ سال

بازنویسی شهناز آذرینوش
تصویرگر: ساناز کریمی طاری

ناشر پیشرو در انتشار
کتاب‌های مناسب برای
کودکان و نوجوانان

واحد کودک و نوجوان
موسسه‌ی نشر و
تحقیقات ذکر

کتاب‌های
قاصدک

دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، خ محشم، شماره ۲۰، طبقه همکف واحد ۲
تلفن: ۰۲۱ ۶۶۴۱۰۰۴۱ (۵ خط) • تلفکس: ۰۲۱ ۶۶۴۶۸۲۶۳ • کد پستی: ۱۳۱۵۸۴۴۵۴۷
ایستگاه: ghasedakbooks • تلگرام: @ghasedakbooks • www.ghasedakbooks.ir

افسانه‌های کردی

- سرناسه: آذرینوش، شهناز، ۱۳۵۲-
- عنوان و نام پدیدآور: افسانه‌های کردی/
- بازنویسی شهناز آذرینوش؛ تصویرگر ساناز کریمی.
- مشخصات نشر: تهران: نشر ذکر، کتاب‌های قاصدک.
- مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص؛ ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س.م.
- شابک: ۷-۱۳۵-۲۳۷-۶۲۲-۹۷۸-۰
- ۰-۱۳۴-۲۳۷-۶۲۲-۹۷۸-۰
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
- موضوع: افسانه‌ها و قصه‌های کردی
- موضوع: Legends -- Kurdistan
- موضوع: داستان‌های کوتاه کردی -- مجموعه‌ها
- موضوع: Short stories, Kurdish -- Collections
- شناسه افزوده: کریمی طاری، ساناز، ۱۳۵۹-، تصویرگر
- رده‌بندی کنگره: PIR۳۲۵۶
- رده‌بندی دیویی: ۸۱۸۹/۲۳۰۸
- شماره کتابشناسی ملی: ۷۲۷۲۳۴۸
- این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.
- بازنویسی: شهناز آذرینوش
- تصویرگر: ساناز کریمی طاری
- مدیر هنری و اجرای جلد: فریدون حقیقی
- ویراستار: فیروزه دلگشایی
- زیر نظر شورای بررسی
- لینتوگرافی: گلپا • کد: ۰۵/۹۹۰
- چاپ اول: ۱۴۰۱ • تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
- شابک: ۰-۱۳۴-۲۳۷-۶۲۲-۹۷۸-۰
- شابک دوره: ۷-۱۳۵-۲۳۷-۶۲۲-۹۷۸-۰
- کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای
- موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.
- قیمت: ۵۹۰۰۰ تومان

مقدمه

فردوسی در شاهنامه، *گُردها* را از نسل *کاوه آهنگر* می‌داند. *گُردها* از نژاد *آریایی* و ایرانی هستند که هر چه درباره‌ی *گُردها* بگوییم به پیشینه‌ی ایران بستگی دارد و در اصل وابسته به نژاد *هند و اروپایی* است و مربوط به سه‌هزار سال قبل از میلاد مسیح. *مادها* در قرن ۷ قبل از میلاد به‌وجود آمدند که به *گُردها* برمی‌گردند و در بیشتر تاریخ‌ها واژه‌ی *گُرد* و *ماد* هم رده‌ی هم آمده‌اند. چنانکه در *تورات* نیز پشت سر *مادیا* یا *مدی* نام *کردستان* آمده است.

لفظ *گُرد* در زبان *هند و اروپایی*

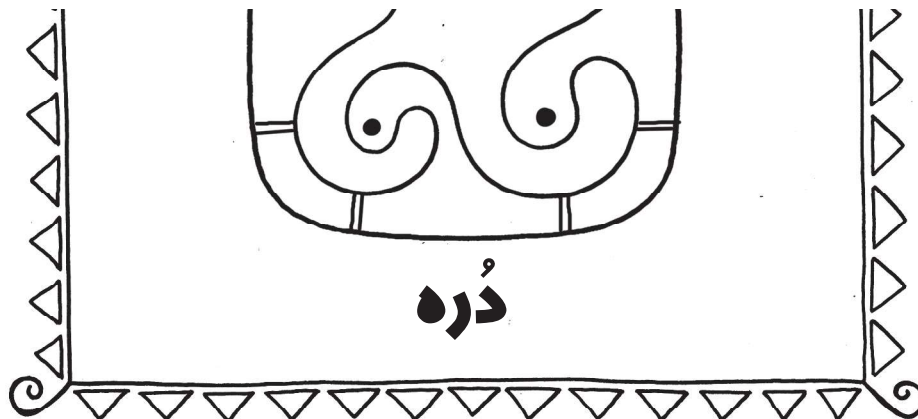
واژه‌ی *گُرد* به معنی چرم فروش است و در *اوستا* به معنی شمشیر و کارد است. *گُردها* یکی از تیره‌های نژاد *آریایی* هستند که از زمان باستان نامشان در سنگ نوشته‌ها و الواح *آشوری* و *بابلی* و *سومری* و *آکدی* آمده است و از زمان‌های کهن تا کنون این اقوام پیوسته دلیری و شهامت خود را نشان داده‌اند. آن‌ها در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد بر نواحی *زاگرس* تسلط پیدا کردند و در سده‌ی ۷ قبل از میلاد *امپراطوری بزرگ ماد* را تشکیل دادند و در سال ۶۱۲ ق. م شهر *نینوا*، پایتخت *امپراطوری آشور* را گرفتند و قلمرو آنان را به زیر سلطه خود در آوردند و سرانجام دولت *ماد* به سال ۵۵۰ ق. م به دست *کوروش هخامنشی* منقرض شد. *ساسانیان* که خود *گُرد* بودند همواره از دلیری و جنگاوری *گُردها* در نبرد بهره می‌گرفتند. ملت *گُرد* آداب و رسوم مشترکی دارند که در طول تاریخ، فرهنگ ایرانی *آریایی* خود را حفظ کرده‌اند و مبارزه‌ی طولانی آن‌ها سبب حفظ فرهنگ و آداب و رسوم مشترک و فرهنگ ملی *گُرد* شده است. پس از جنگ جهانی اول و تسلط رضا شاه که با شدیدترین فشارها و خفقان‌ها همراه بود، تبعید و کوچ دادن اجباری *گُردها* به مناطق دیگر ایران و به طور کلی سیاست فارس کردن *گُردها* از برنامه‌های رضاخان بود. داستان، افسانه، ضرب‌المثل و چیستان‌های بسیاری از اقوام *گُرد* به جا مانده است. قدیمی‌ترین کتاب به زبان *گُردی* در قرن ۲ و ۳ ه. ق. روی پوست آهو نوشته شده که در خانقاهی در کرمانشاه محفوظ است. *داستان‌ها و افسانه‌های گُردی* گِیرا و شگفت‌انگیز است که انسان را چنان به خود سرگرم می‌کند که از رنج زندگی فارغ می‌شوند و لبریز از نکات ظریف و شوخی‌های لطیف است. *فولکلور گُرد* بسیار غنی و وسیع است. اخیراً برخی به جمع‌آوری گنجینه‌های *فولکلور گُرد* اقدام کرده‌اند که بیشتر از زبان مردان و زنان سالخورده یا از نقالان و آوازخوانان است. در میان *گُردها* داستان‌های گِیرا و جذابی است که پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها برای بچه‌ها می‌گفتند.

در بخش انگلیسی ویکیپدیا در زیر واژه‌ی *فیلی* آورده‌اند که: «*گُردهای فیلی* (Feyli) یا *Feyli*, *Pahlî* یا *الفیلیه* (به عربی) به گروهی از کردهای

جنوب عراق گفته می‌شود که در مناطق *بغداد*؛ استان *دپاله*؛ *خانتقین* و *مندلی* (*ماندعلی*) زندگی می‌کنند. زبان *گُردهای فیلی* جزئی از لهجه‌های جنوبی زبان *گُردی* می‌باشد. ریشه‌ی *گُردهای فیلی* به مهاجران و کوچ‌نشینان ایرانی در هزاره‌ی اول قبل از میلاد باز می‌گردد. *گُردهای فیلی* در اولین مراحل شکل‌گیری *امپراطوری اسلامی* در *بین‌النهرین* و *ایران*؛ دین اسلام را با آغوش باز پذیرفتند، اگر چه کاوش‌های باستان‌شناسی استان *ایلام* نشان داده که بخش قابل توجهی از *گُردهای فیلی* تا قرن ۱۸ مسیحی *نسطوری* بوده‌اند. با حاکمیت *سلسله‌ی صفویه* بر ایران (۱۷۲۱-۱۵۰۷) *گُردهای فیلی* مذهب خود را به *شیعه‌ی جعفری* تغییر دادند. از گذشته‌های دور *فیلی‌ها* در دوسوی مناطق مرزی بین ایران و عراق در رشته کوه‌های *زاگرس* به‌ویژه دو طرف *کبیرکوه* (*کور*) ساکن بوده‌اند. *گُردهای فیلی* در عراق اکنون در مناطق *خانتقین*؛ *شهربان* (*مقدادیه* فعلی)؛ *مندلی* (*ماندعلی*)؛ *بدره*؛ *زرباطیه*؛ *جاسن*؛ *کوت*، *عزیزیه*، *زهائرات*، *بعقوبه* و هم‌چنین شهرهای *شیخ سعد*؛ *علی شرقی*؛ *علی غربی* و *کوفه* در منطقه‌ای به‌وسعت ۱۷۰ کیلومتر در جنوب بغداد ساکن و زندگی می‌کنند. از اوایل دهه‌ی قرن بیستم بسیاری از *فیلی‌ها* به *بغداد* مهاجرت و در مرکز این منطقه ساکن شدند و به‌دنبال آن نام بسیاری از محله‌ها؛ کوچه‌ها و خیابان‌ها به‌نام آن‌ها نامگذاری و تغییر یافت. در ایران *گُردهای فیلی* ساکن شهرهای *قصرشیرین*؛ *کرمانشاهان*؛ *کرد*؛ *اسلام آباد* غرب؛ *سرپل ذهاب*، *گیلان*؛ *ایلام*؛ *صالح آباد*، *موسیان*، *بدره*؛ *دهلران* و *اندیمشک* می‌باشند. *گُردهای فیلی* عراق دو و نیم و ایران سه میلیون نفر تخمین زده می‌شوند. گروه بین‌المللی حقوق اقلیت‌های عراق تعداد *فیلی‌های* عراق را تا قبل از جنگ این کشور یک میلیون نفر ذکر کرده‌اند. برخی از طوایف و تیره‌های *گُردهای فیلی* عبارتند از: *طایفه‌ی علی شروان* و *پسرانش* (*چراغ‌وندی*)، *سفروندی*، *هروندی*، *داراوندی*، *طایفه‌ی ملکشاهی*، *طایفه‌ی جمال‌وندی*، *طایفه‌ی جابری‌انصاری*، *تیره‌ی شووان* و *تیره‌ی موسی*. آقای م. ر. *ایزدی* در نوشته‌ی خود (The Kurds: A Concise Handbook, London, ۱۹۹۲) واژه‌ی *فیلی* را برگرفته از *پَهله* و *پَهله* را از *امپراتوری پارت* و *اشکانی* (نام سرزمین پارت در کتیبه‌های داریوش *پَرثَوَه* آمده است که به زبان *پارتی پهلوی* می‌شود. چون *پارتیان* از اهل ایالت *پَهله* بودند، از این جهت در نسبت به آن سرزمین ایشان را *پهلوی* نیز می‌توان خواند) دانسته و به‌درستی استدلال نموده‌اند که چون حرف «پ» در زبان عربی وجود ندارد لذا عرب‌ها این حرف را مانند بسیاری دیگر از کلمات به «ف» (همچون کلمات *Palestine* را به فلسطین و *Persian* را به فارسی) تبدیل کرده‌اند. لذا *پَهله* مبدل به *فَهله* و سپس «*فیل*» و بالاخره شکل صفتی کلمه آن «*فیلی*» متداول و رایج شده است.

فهرست

۲	مقدمه
۵	دُرّه
۱۰	برادر عاقل و برادر دیوانه
۲۱	مرد بی دست و پا
۳۲	چهل گیسو (دایی که گاوش دزدیده شده)
۴۴	خالو گاو بریای
۵۰	دانگه اناری
۶۲	زن نادان
۷۱	جوجه
۸۳	کچل و گیه سیه
۹۵	علی دزد
۱۰۸	سه کله پوک
۱۲۲	ملا نصرالدین و سه برادر
۱۳۱	برا ملک مامه (برادر ملک محمد)
۱۴۰	شی و پایمان دهل (پیراهن دامن دهل)
۱۵۴	عارف پینه دوز
۱۶۰	زرین کفش
۱۷۶	مرغله
۱۸۴	ملک جمشید
۱۹۵	ملک خورشید



سال‌ها پیش در سرزمینی که مردمان زحمتکشی داشت، پیرزنی زندگی می‌کرد که خیلی خسیس و شکمو بود. او سه پسر داشت که برای هر سه زن گرفته بود و همه با هم در یک خانه زندگی می‌کردند.

پیرزن زندگی را برای سه عروسش تنگ کرده بود. او درست و حسابی به آن‌ها غذا نمی‌داد و آن‌ها همیشه گرسنه بودند. با اینکه شوهرانشان هرروز کار می‌کردند و پول زیادی در می‌آوردند ولی مادر آن‌ها همه کاره‌ی خانه بود.

او حتی زمین آشپزخانه را پر از خاک می‌کرد تا در موقعی که او خانه نیست عروس‌هایش نتوانند از آشپزخانه چیزی بردارند و رد پایشان معلوم شود.

ولی عروس بزرگ او که **دُرّه** (گوهر) نام داشت خیلی زرنگ بود و از هر فرصتی استفاده می‌کرد تا سر مادر شوهرش را کلاه بگذارد. مثلاً یک روز که پیرزن برای آوردن آب به کوه رفته بود، دُرّه الاغی از طویله آورد. سوار الاغ شد و رفت هرچه در آشپزخانه بود روی الاغ سوار کرد و بیرون آورد. هر سه نفر نشستند و شکمشان را سیر کردند.

مادر شوهر که به خانه رسید یگراست به آشپزخانه رفت. دید اثری از غذاهای توی آشپزخانه نیست و فقط رد پای الاغ روی زمین است و جای دست دُرّه روی ظرف غذاست.



